

دروازه‌ها

توماس کین

خود را به جای شمعون پطرس تصور کنید، یک یهودی معمولی و وفادار که در انتظار «تسلی دهنده‌ی اسرائیل» هستید و در دوران خدمت عمومی عیسی به سر می‌برید. و قادر به مشاهده‌ی شگفتی‌های بسیاری خواهید بود: معجزات، عجایب و تعالیم استادانه. این عیسی کیست؟ او یقیناً بیش از یک پیامبر است. او حتی بزرگ‌تر از موسی است. پطرس به این نتیجه‌ی غیرقابل اجتناب می‌رسد: او بی‌شک همان مسیح موعود است، پادشاه موعود، مسح شده‌ای که پادشاهی خداوند را بر روی زمین تجدید خواهد کرد. بله عیسی می‌گوید: «و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.» (متی ۱۶: ۱۸).

این کلمه‌ی کوچک «دروازه‌ها» تصویری را در ذهن ما تداعی می‌کند - البته بهتر است بگوییم شبکه‌ای از تصاویر، تجربیات و تداعی‌ها که ممکن است برای خوانندگان امروزی ناآشنا و غریبه باشند. همان‌طور که پطرس بر این کلمه‌ی نبوتی تعمق می‌کند در ذهن خود یک جنگ کیهانی میان دو پادشاهی می‌بیند، یکی در محاصره و از تاریکی و مرگ ساخته شده که با دروازه‌ای بزرگ و آهنین محافظت می‌شد؛ پادشاهی دیگر پیروز و از سنگ‌های زنده بنا شده و با دروازه‌های باز و گسترده احاطه شده بود و مردم از نور و آرامش آن لذت می‌برند.

شاید قدرت تخیل شما در درک این تصویر اندکی ضعیف‌تر باشد. مروری کوتاه بر مفهوم «دروازه‌ها» در کتاب مقدس به ما در تصور بهتر شهر پیروزمند خدا یاری خواهد رساند.

درک مفهوم استعاری «دروازه‌های جهنم» برای خواننده‌ی امروزی با دشواری‌هایی همراه است. ریشه و مبنای استعاره‌ها در تجارب زندگی نهفته است و باتوجه به عدم وجود دروازه به معنای واقعی در اکثر شهرهای مدرن، کلمه‌ی «دروازه» دیگر آن تداعی‌ها و معانی را که برای خوانندگان گذشته مانوس بود، در ذهن ایجاد نمی‌کند. نیاز به حفاظت در برابر محیط پیرامون، شهرهای باستانی را به احاطه شدن توسط دیوارهایی (تثنیه ۳: ۵) واداشته بود. دروازه‌های این دیوارها نقش ورودی و خروجی متمرکز را ایفا می‌کردند و به همین دلیل، به‌عنوان مکانی مناسب برای ملاقات و گفتگو (دوم سموئیل ۱۵: ۲؛ مزامیر ۶۹: ۱۲)، بازاری مرکزی (دوم پادشاهان ۷: ۱)، محل انتشار اعلامیه‌های عمومی و احکام قانونی (روت ۴) و محل اصلی گردهمایی‌ها و جشن‌های اجتماعی (داوران ۵: ۱۱) مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به عبارت دیگر، در دنیای باستان، «مرکز شهر» یا «میدان عمومی» معمولاً در مرکز شهر قرار داشت، بلکه در حاشیه شهر و در دروازه‌های آن واقع بود؛ بنابراین، دروازه‌ها نماد خود شهر بودند و نشان‌دهنده‌ی مردم، فرهنگ، موقعیت، منزلت و زندگی شهری آن مکان بودند؛ بنابراین، هنگامی که خداوند به قوم خود وعده‌ی امنیت، آسودگی، صلح و رفاه را می‌دهد (مکاشفه ۲۱: ۹-۲۷)، در واقع به آنها وعده‌ی شهری با دیوارهای بلند و دروازه‌های استوار را می‌دهد.

نکنه‌ی جالب‌توجه در تصویر شهر آسمانی که خدا برای ما ترسیم می‌کند، دروازه‌های کاملاً باز آن است. مزامیر ۲۴: ۷ چنین می‌گوید: «ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافراشته شوید تا پادشاه جلال داخل شود!». در این آیه، مزامورنویس از مکان مقدس خداوند صحبت می‌کند و آن را به مثابه‌ی نوعی شهر توصیف می‌کند. هنگامی که پادشاه وارد شهر می‌شود، دروازه‌ها برای استقبال از او گشوده می‌شوند. این امر نشان‌دهنده‌ی پیروزی و جشن است. «یَهُوه صَبایوت» (خداوند لشکرها) به شهر داخل می‌شود (مزامیر ۲۴: ۱۰) و از دیوارهای شهر محافظت می‌کند و امنیت آن را تضمین می‌کند. در کتاب مکاشفه، تأکید بیشتری بر این موضوع مشاهده می‌شود. اورشلیم جدید دارای دیوارهایی است که با دوازده دروازه (تعداد قابل توجهی) تجهیز شده‌اند. مکاشفه ۲۱: ۲۵ بیان می‌کند که این دروازه‌ها «در روز بسته نخواهد بود زیرا که شب در آنجا نخواهد بود.» (همچنین یوشع ۲: ۵ را ببینید). در واقع، این دروازه‌ها همیشه باز هستند و دسترسی آزاد و بدون مانع را برای همه فراهم می‌کنند تا «جلال و عزت اَمّت‌ها را به آن داخل خواهند ساخت» (مکاشفه ۲۱: ۲۶).

در مقابل، دروازه‌های جهنم بسته است. شیطان می‌خواهد ما این را نشانه‌ی قدرت او بدانیم، اما در حقیقت، این ترس است که این دروازه‌ها را بسته نگه می‌دارد. «بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.» (متی ۱۶: ۱۸). در این تصویر، شهر شیطان در محاصره است و دروازه‌های آن در برابر قوم خدا و لشکریان آسمان در حال فروریختن است (مکاشفه ۱۲ را ببینید). با درک صحیح، می‌توان دریافت که جهنم نه یک قلعه‌ی مستحکم و نه یک شهر پر رونق، بلکه یک «زندان» است (مکاشفه ۲۰: ۷). و هنگامی که این زندان - شهر سرانجام نابود شود، ساکنان شیطنانی آن به «دریاچه‌ی آتش» افکنده خواهند شد و دیگر قادر به آسیب رساندن یا ایجاد مانع برای قوم نیک‌بخت خدا نخواهند بود (مکاشفه ۲۰: ۱۰). ستایش خداوند باد! ای خداوند، زودتر بیا! «ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافراشته شوید، تا پادشاه جلال داخل شود!» (مزامیر ۲۴: ۷).

این مقاله در مجله تبیل‌تاک منتشر شده است.

دکتر توماس کین، دانشیار عهد جدید و رئیس امور آموزشی در دانشگاه الهیات Reformed Theological Seminary واقع در واشنگتن دی. سی. است.